

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد

سوره مبارکه مریم (جله نهم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۱۳/۱/۱۹

برای سلامتی همه شیعیان اسلام بویژه شیعیان مظلومی که در اقصی نقاط دنیا هستند **صلوات**

برای این که ان شاء الله خدا توفیق علم و عمل به ما بدهد و بتوانیم مطالبی را که از حقایق قرآنی متوجه می شویم آنها را عمل کنیم **صلوات**

برای این که ان شاء الله از طهارت سوره ها که به ما القاء می شود بهترین بهره را ببریم و ما هم طاهر بشویم **صلوات**
یکی از مهمترین پیام هایی که سوره مریم داشت بحث رحمت پرودگار است که شامل بندگانی از بندگان خاص خدا شده است.

مطالبی که از این سوره به صورت خلاصه برداشت شده است:

۱. رحمت الهی و فیض الهی در زندگی انسان؛ به این صورت که رحمت و فیض به چه صورت هایی مشاهده می شود و این به این معنا است که چگونه می شود فهمید که در رحمت خدا هستیم.
۲. راه های هموار شدن نزول فیض و رحمت الهی و ارتباطش با ذکر و بحث نماز؛ نماز و بر به والدین و کتاب به عنوان سه عنصر اصلی برای دریافت رحمت گفته شده است.
۳. غایت انسان از نظر دریافت رحمت؛ بحث سلام یک رحمت است یک ذکر و یک سلام.
۴. مسیر انسان به سمت خدا؛ این مسیر، مسیر عبودیت و اضطبار (پذیرش پایداری و نشکستن، فرو نریختن) است.

در واقع یک چرخه ای درست می کند به نام چرخه عبودیت و اضطبار

۵. مصادیق انسان های عبد و سلام و سبک زندگی آنها؛

مصادیقی که این جا ذکر شده است اغلب آن‌ها برای ما دور از دسترس است یعنی ممکن است کسی نتواند به سمت مریم شدن برود اما مصادیقی که اینجا ذکر شده آرمان سازی، آرزو سازی می کند یعنی طمع انسان را برای همراه بودن با انسان های عبد صالح بر می انگیزاند و این بدان معناست که انسان می فهمد اگر این مسیر را برود با این ها همراه می شود، در واقع به وسیله آرمان سازی انسان را با اهداف و مقاصد بلند آشنا و هم راستا می کند.

یعنی هر دفعه ای که شما سوره مریم را می خوانی یک طمع و محبت و **وَدّ** در شما ایجاد می شود که منجر به همراهی انسانی با عبد صالح می شود.

برای خدا بندگانی است که تمام وجود خودشان را وقف خدا کرده اند (عاشقانه) و این می شود ریسمان محکم الهی برای نجات انسان که به آن حبل الله می گویند؛ متین یعنی شما همین مقدار که محبت تان به او جذب می شود می توانید از گنداب دنیا خارج شوید.

نباید فکر ما به این سمت برود که من بشوم هم رتبه حضرت مریم (س) بلکه باید آرزویمان این باشد که در زندگی ما یک صحنه هایی پیش بیاید که وجود حضرت مریم (س) و حضرت فاطمه (س) را درک کنیم. خداوند در قرآن درباره بندگان خویش بهترین اوصاف را بکار برده است یعنی وقتی خواسته حضرت مریم (س) را توصیف کند قشنگ توصیف کرده، به طوری که شما یک عصمت کلی را متوجه می شوید. به طور کلی شخصیت هایی که در قرآن از آن ها یاد شده در بین انبیاء علیهم السلام، چند دسته می شوند. درباره بعضی از انبیاء زندگی کامل شان نقل شده اما درباره برخی دیگر فقط برخوردشان با قوم و تعدادی را هم فقط اسم شان را آورده است. ما نمی دانیم خدا چرا فقط اسم آن ها را آورده، مثل حضرت ادریس (ع)؛ ولی خود این اسامی یک بار علمی دارند که نیاز قرآن را به مفسر حقیقی شان که اهل بیت علیهم السلام هستند را بدیهی می کند و این یعنی اگر یک کسی بگوید که من از کجا بدانم ادریس (ع) کیست؟ جوابش این است که این علم نزد اهل بیت علیهم السلام است و ما باید در حوزه قرآن، نیاز به اهل بیت را عمیقاً درک کنیم. در مواقعی این اتفاق می افتد که به صورت مبهم از پیامبر (ص) نام برده شده است و بسیاری از سوالاتی که راجع به اسماء انبیاء و اولیاء علیهم السلام است توسط یهودی ها مطرح شده است زیرا این نام برای شان آشنا بوده و می خواستند مشابهت ها را ببینند، بخاطر همین سوال می کردند و می فهمیدند که کسانی وجود دارند که این حقایق را می دانند و به همین دلیل حتی خیلی از افرادی که ایمان آوردند به

خاطر انطباق کتاب آسمانی خودشان با قرآن بوده است. خود آشنا شدن با اسماء انبیاء علیهم السلام ولو این که انسان ایشان را نشناسد، از نظر فطری به او کمک می کند و نوعی از معرفت و شناخت را به او القا می کند.

۶. موضوع قیامت که در این سوره از منظر انبیاء و اولیاء الهی علیهم السلام دیده شده در واقع از منظر انسان کامل است، این گونه که انسان کامل قیامت را چگونه می بیند؟ در این سوره قیامت را با دوربین انبیاء و اولیاء علیهم السلام می بینیم، در این سوره قیامت از وجه رحمانیت خدا مشاهده می شود، یعنی چگونه صفت رحمانیت تولید جهنم و بهشت می کند. نظام قیامتی که در این سوره مطرح می شود به چه صورت است؟ و در سوره مبارکه انبیا هم همین اتفاق می افتد اما در آنجا تقابل دو فکر الهی و غیر الهی مطرح شده که در نهایت فکر غیر الهی از بین رفته است.

آیه ۵۸ تا ۶۵: در اغلب سوره ها تقابل بین کافرین و متقین به تصویر کشیده شده اما در این آیات یک سری انسان های خوب را که عبد و سلام هستند را نشان می دهد و یک گروهی که کج رفته اند را هم نشان می دهند. گروهی که پیروی نکردند یعنی آن هایی که در دل انبیا علیهم السلام بزرگ شدند اما نماز نخواندند زیرا تبعیت از شهوات کردند.

اضاعه نماز به اضافه تبعیت از شهوات باعث بوجود آمدن جهنم می شود. و یک جنبه درونی تر هم پیدا می کند و این یعنی یک سری باورها هم اینجا شکل می گیرد، وقتی فرد اضاعه نماز می کند به تدریج در باورها و گفته هایش عکس العمل هایی دیده می شود.

آیه ۶۶ جدای از آیات بالا نیست.

کسی که فقط اضاعه نماز و تبعیت از شهوات می کرد کم کم باورش به معاد کم می شود و بعد وقتی که به قیامت رفت، می بیند جهنم است و شیاطین! و او که با شیاطین محشور شده است، یعنی دید که غی یک سری رهبرانی دارد که آن رهبران او را کنار گذاشتند و نامش هم شیطان است. (آیه ۶۸)

۷۱ و ۷۲: فضایی که ترسیم شده این است که جهنم مسیر شدن است که برخی از آن عبور می کنند و برخی درون آن می مانند. جهنم می شود معادل ماندن در آنجایی که همه لازم بوده از آن عبور کنند. مثلاً فرض بگیریم بچه در سن

سه سالگی میل زیادی به اسباب بازی دارد و خیلی هم حسود هست اما نمی توان به آنها حسود را اطلاق کرد اما کافی است که این صفت در او بماند و از او عبور نکند، برایش جهنم می شود و اگر عبور کند بهشت او می شود.

ما تقریباً درگیر همه صفت هایی می شویم که بعداً در جهنم، آتش می شوند، تقریباً کسی نیست که در معرض آنها قرار نگیرد و واردش نشود، اما نباید داخلش بشود، باید از آن عبور کند که طبق این سیستم همه در معرض اضاعه نماز و تبعیت از شهوات هستند باید مراقب باشند.

برای اتصال رحمت به ذکر و صلاه و اضطبار، خداوند یک راهکار عملی برای ما گذاشته است که آن "صلاة" است که دو معنی دارد؛ اگر از صلبه باشد، به معنای ثنای جمیل است یعنی انسان در نماز خدا را عبادت و شکر می کند و اگر از صلی باشد، جلیقه نجات است یعنی نجات دهنده از آتش است لذا بحث نماز اینجا خیلی مهم می شود زیرا ممکن است ما ذکر، رحمت و سلام را نفهمیم ولی خب نماز را بفهمیم!

انسان اگر تصمیم بگیرد که فقط نمازش را اصلاح کند یعنی سرسری نگیرد و اهل سهو نباشد و از طرفی برای نمازش برنامه ریزی داشته باشد، (و در روایات هم بر آن تاکید زیادی شده است) می تواند انسان را نجات دهد.

این آیات طوری گفته شده است که تا بلکه به انسان بر بخورد و جهنمی نشود! اینجا بحث سر این است که انسان یک مرتبه می بیند در یک وضعیت مشابه با همانی که خیلی بد می دانسته قرار گرفته است.. اینجا دیگر خیلی باید به او بر بخورد.

یکی از کارهایی که در سوره های قرآن کم و بیش انجام شده این است که کافرین اوضاع دنیایی خود را مدام به رخ مومنین می کشند مثل این است که مثلاً شما که با خدا هستید باید وضعیتان خیلی بهتر از این می شد! می شود که انسان در بین جوامع مومن زندگی کند و یک سری نارساهایی هم داشته باشد.. همانطور که می شود در جوامع کفر نارسایی هایی مثل مالی شکل نگیرد لذا آن چیزی که این ها را از هم متمایز می کند کفر و ایمان است و آدم نباید گول ظاهرشان را بخورد.

خداوند بین دنیا و آخرت رابطه مستقیم قرار نداده است، نمی توان گفت که یک جایی که وضعیت اقتصادی اش بالاتر است الزاماً ایمانش بیشتر است.

خدا انسان را ملزم کرده است که از جایی که دین خدا پرستش نمی شود هجرت کند به جایی که دین خدا پرستش می شود. در هر جایی که دینداری که خداوند می خواهد ایجاد نشده بود، موظف به هجرت هستید و از معشیت و ... نترسید؛ سوره مبارکه عنکبوت به صورت کامل راجع به این موضوع بحث کرده است.

به طور کلی انسان باید یک سری مسائل را در زندگی باور کند؛ مثلاً اگر در راه استقامت و نماز قرار بگیرد خدا هست و کمکش می کند و اگر قرار نگیرد افراد دیگر یاری اش می نمایند به هر حال در هر حالتی کمک هست اما آنجا دیگر شیاطین حمایتش می کنند (۸۴)

۷. دو بحث دیگر مطرح می شود، یک مورد حیثیت فردی و مورد دیگر حیثیت اجتماعی انسان است که در این سوره روی هر دو خیلی تاکید شده است که هر کسی در یک نظام وقفی می آید، یعنی اگر مومن است با امامی می آید و اگر کافر است با شیاطین می آید (۸۶)

۸. یک اتفاق مهم دیگر این است که انسان وقتی در مسیر انحراف پیشرفت می کند در این مسیر باورهای محکمی بدست می آورد که خیلی خطرناک است و خروج از این باورها بسیار سخت است یعنی اگر آدم سراغ انحراف رفت، پیشرفت می کند و تبدیل به باور و بعد تبدیل به صفت می شود، و وقتی به سمت مستقیم حرکت کند خیلی سخت می شود، و این آیات بیان می کند که نزد خدا عهدی دارد یعنی فکر می کند که کاری که انجام می دهد کاری است که خدا خواسته است یعنی شبیه به یقین می شود و این خیلی مشکل است که وقتی به اینجا رسید بخواند برگردد!

قرار این است که بحث نماز و روایاتی که در مورد نماز است را مرور کنیم و ان شاء الله امسال را روی بحث نماز بگذاریم:

۱. دیدگاه های قرآن و روایات نسبت به انواع نماز را رصد کنیم (تقریباً می شود گفت که برای همه نیازها نماز وضع شده است). خوب است یکی از کارهای ما این باشد که انواع نماز را احصاء کنیم و در این بین هم یک جایی را هم برای دیدگاه قرآن در مورد نماز بگذاریم.

۲. ترغیب به اهتمام در رابطه با نمازهای یومیه؛ کسانی که پس و پیش می خوانند.

۳. پیشرفت کمی و کیفی در خصوص نماز یعنی مثلاً اگر قبلاً نافله رانمی خواندیم، بتوانیم نافله را به آن اضافه کنیم. یک برنامه‌ریزی مشخص برایش داشته باشیم و نگذاریم رها بشود. باید نماز محور طهارت زندگی بشود و باید در این راه محاسبه داشت.

۴. اطلاع پیدا کردن از اسرار نماز؛ مثلاً کتب در این رابطه را در سیر مطالعاتی‌اش قرار بدهد و بداند هر کاری که در زندگی انجام می‌دهد مدل نماز است، یعنی ببیند کدام قسمت کار خیرش تکبیر الاحرام است و کجای آن سجده و ... بتواند مدل سازی بکند و طوری باشد که انسان به تدریج هر کاری انجام می‌دهد صورتی از نماز باشد یعنی حتی می‌خواهد بخوابد هم صورتی از نماز باشد.

از حضرت فاطمه(س) می‌خواهیم که ما را جزء نمازگزاران واقعی قرار دهد به برکت صلوات بر محمد و آل محمد(ص).

تعجیل در فرج امام زمان (عج) صلوات